

نوع مقاله: ترویجی

نقش مصلحت در تحقق هم‌گرایی سیاسی و امنیتی جهان اسلام از منظر فقه اهل بیت علیهم‌السلام

عبدالخالق جوادی / دانشجوی دکترای فقه سیاسی جامعه المصطفی العالمیه

abdolkhaleghjavadi1354@gmail.com

rjini@maaref.ac.ir

 orcid.org/0009-0003-1897-695X

حسین ارجمینی / دانشیار گروه انقلاب اسلامی دانشگاه معارف اسلامی

پذیرش: ۱۴۰۳/۰۳/۲۰

دریافت: ۱۴۰۲/۰۷/۲۴

چکیده

جهان اسلام دچار بحران‌های زیادی است که منجر به واگرایی سیاسی می‌شود. در حالی که توجه به عنصر مصلحت می‌تواند منجر به تحقق هم‌گرایی سیاسی و امنیتی در سطح جهان اسلام شود. پرسش اصلی آن است که نقش مصلحت در تحقق هم‌گرایی سیاسی و امنیتی جهان اسلام چیست؟ در پاسخ، این فرضیه با شیوه تحقیقی تحلیلی به آزمون گذاشته می‌شود که نقش مصلحت در حل بحران‌های موجود جهان اسلام و تحقق هم‌گرایی سیاسی و امنیتی در آن، با امعان نظر در دیدگاه فقهای امامیه بسیار اساسی است؛ به نحوی که موجب استحکام درونی نظام سیاسی در درون هریک از واحدهای سیاسی و برون‌رفت از بحران‌های دست‌ساخته دشمنان اسلام می‌گردد. نوآوری این پژوهش، در آن است که به تبیین نقش مصلحت و چگونگی راه‌حل بیرون‌رفت از بحران‌ها و چالش‌های موجود از منظر فقهای امامیه پرداخته است. بنابراین هدف مقاله از یک‌سو بررسی نقش مصلحت در ایجاد هم‌گرایی سیاسی و امنیتی میان دولت‌های اسلامی است؛ و از سوی دیگر، بررسی تحقق آن برای حفظ جان، مال و آبروی مسلمانان و حفظ اساس نظام‌های اسلامی است.

کلیدواژه‌ها: مصلحت، هم‌گرایی، جهان اسلام، فقه اهل بیت علیهم‌السلام

مقدمه

جهان اسلام دچار بحران‌ها و چالش‌های زیادی است و از مهم‌ترین ضروریات آن، هم‌گرایی است. منظور از هم‌گرایی، شرایطی است که در آن، سازمان‌ها و کشورهای اسلامی برای تأمین منافع مسلمانان و حفظ مصالح آنها همانند حفظ اصل و اساس دین و باورهای دینی، که از مصالح ضروری و از مقاصد شارع بوده، در قالب هم‌گرایی تلاش می‌کنند. بدین معنا که دولت‌های اسلامی می‌توانند با تأکید بر باورها و اصول مشترک همانند وحدانیت خدا و رسالت پیامبر ﷺ و اعتقاد به قرآن و قبله واحد، به هم‌گرایی سیاسی، و امنیتی دست یابند. همچنین مصلحت، یکی از مبانی کلیدی و مهم در حل مسائل نوظهور به‌شمار می‌آید که در یکی دو دهه اخیر توجه فراوانی به آن شده است و علت این توجه، بروز بحران‌ها و مشکلات فراوانی است که کشورهای اسلامی با آن مواجه بوده‌اند.

حال پرسش اساسی این است که نقش مصلحت در تحقق هم‌گرایی سیاسی و امنیتی جهان اسلام از منظر فقه اهل‌بیت^ع چیست؟ در پاسخ به این پرسش با استفاده از شیوه تحلیل می‌توان این فرضیه را به آزمون گذاشت، که مصلحت از جمله اصول بنیادین در حل مسئله هم‌گرایی جهان اسلام در فقه اهل‌بیت^ع است که منجر به هم‌گرایی در عرصه‌های سیاسی و امنیتی می‌شود.

۱. مفهوم‌شناسی

لازم است واژه‌های مصلحت، هم‌گرایی و جهان اسلام را تعریف کنیم. ابتدا به معنای لغوی و اصطلاحی مصلحت می‌پردازیم.

۱-۱. مصلحت

واژه مصلحت در لغت فارسی به معنی صواب، شایستگی و صلاح آمده و در مقابل مفسده به‌کار می‌رود (دهخدا، ۱۳۷۳، ج ۳، ص ۲۰-۲۱). و در زبان عربی نیز به همین معنا آمده است؛ چنان‌که ابن‌منظور در *لسان العرب* می‌نویسد: «الصلاح ضد الفساد... والصلاح: نقيض الإفساد والمصلحة؛ الصلح»؛ صلاح در مقابل فساد و اصلاح در برابر افساد است. مصلحت یعنی صلاح و شایستگی» (ابن منظور، ج ۲، ص ۵۱۶-۵۱۷). جوهری نیز صلاح را ضد فساد دانسته و نوشته است: «الصلح؛ ضد الفساد والصلاح: نقيض الإفساد والاصلاح؛ نقيض الاستفساد»؛ صلاح در مقابل

فساد، اصلاح در برابر افساد، و استصلاح در برابر استفساد است». پس مصلحت در این تعریف‌ها، بیشتر سود مادی مراد است، اما مصلحتی که در اسلام به آن توجه شده، تنها صلاح و سود نیست، بلکه صلاح و سود دنیوی و معنوی با هم اراده شده است. بنابراین همه معانی مذکور به نحوی مشابهت به هم داشته و به جهات مختلف مفهوم مصلحت اشاره دارد. اما مصلحت در فقه امامیه عبارت است از: «المصلحة هي ما يوافق الانسان في مقاصد لذيته او لآخرته او لهما وحاصله تحصيل منفعة او دفع مضرة» (حلی، ۱۴۰۳ق، ص ۲۲۱)؛ آنچه که با مقاصد انسان در امور دنیوی یا اخروی و یا هر دو، موافق بوده و نتیجه آن به‌دست آوردن منفعت یا دفع ضرری باشد. صاحب‌جوهر نیز مصادیق متعددی برای مصلحت بیان کرده است. از مجموع مواردی که ایشان واژه مصلحت را بر آن اطلاق کرده، منفعت و مصلحتی که ضابطه تصمیم‌گیری حاکم و ولی است، منفعتی است که به عموم مردم و جامعه باز می‌گردد (علیدوست، ۱۳۸۹، ص ۹۵). بنابراین مصلحت در اصطلاح به معنای سبب رسیدن به مقصود شارع و به‌دست آوردن آن است، اعم از عبادت که مربوط به حق خود شارع است یا عادت که برای نفع بندگان و انتظام معاش و احوال آنهاست.

۱-۲. هم‌گرایی

هم‌گرایی در لغت به معنای هم‌فکر شدن، یگانگی، یکی بودن، اتحاد و... آمده است (دهخدا، ۱۳۷۳، ج ۳، ص ۲۳۱). اما معنای هم‌گرایی در اصطلاح، وضعیتی است که در آن گروه‌ها، سازمان‌ها، نهادها و یا کشورها برای حفظ منافع جمع به همکاری‌های گسترده با یکدیگر بپردازد و به‌سوی نوعی وحدت گام بردارند (کاظمی، ۱۳۷۰، ص ۳۳۷).

۱-۳. جهان اسلام

جهان اسلام، منطقه‌ای مشتمل بر مجموعه فضای پیوسته از کشور مغرب در آفریقای شمالی تا شبه‌قاره هند و آسیای مرکزی و از قزاقستان تا مشرق آفریقا و چند قسمت ناپیوسته در جنوب و جنوب شرقی آسیا و اروپا و حوزه‌های کوچک مسلمان‌نشین جهان می‌باشد (میرسلیم، ۱۳۷۵، ج ۱، ص ۵۲۶).

مفهوم جهان اسلام با مفهوم کشورهای اسلامی و دارالاسلام

بنابراین تجربه عملی دولت یکپارچه و تمدن اسلامی در جهان اسلام در سده‌های نخستین اسلامی و نظریه امت واحده اسلامی، باعث شده است تا آرمان اتحاد اسلامی و هم‌گرایی سیاسی همواره مورد توجه باشد (ویسی، ۱۴۰۲).

۲-۲. حل منازعات مرزی با هم‌گرایی دول اسلامی

جهان اسلام در شرایط فعلی دچار بحران‌های مختلف است و یکی از این بحران‌ها، اختلافات ارضی و مرزی بین کشورها بر سر مرزهای زمینی و دریایی و همچنین بحران و مناقشه داخلی کشورها بر سر قسمت‌هایی از سرزمین است. نمونه مشخص آن اختلافات مرزی عربستان با یمن، قطر، بحرین، امارات متحده عربی، مصر و عمان همچنین اختلافات مرزی مراکش با اسپانیا و صحرای غربی، مصر و سودان شمالی، همچنین پاکستان با افغانستان و سوریه با رژیم صهیونیستی می‌باشد. البته باید گفت که این بحران‌های مرزی و ارضی و منازعات و درگیری‌های دول اسلامی تنها با میانجیگری برخی کشورهای اسلامی و هم‌گرایی سیاسی آنان حل خواهد شد؛ چون مصلحت و عزت مسلمانان در این است که با وحدت و هم‌گرایی سیاسی میان خودشان قادر خواهند بود که این بحران‌ها و موانع موجود در جهان اسلام را برطرف کنند. همچنین بر اساس آموزه‌های اسلامی و فقهی، همه مسلمانان امت واحدند. هرچند اسلام مرزهای جغرافیایی و ملی که امروزه جهان اسلام را تقسیم کرده، به صورت حکم ثانویه می‌پذیرد، اما ملاک مرز، مرزی عقیدتی است که مسلمانان را در قالب یک امت واحده و متحد درمی‌آورد (دهقانی فیروزآبادی، ۱۳۹۲، ص ۱۶۷). چنان‌که اگر منازعات مرزی میان دول اسلامی به‌وجود بیاید، کشورهای اسلامی باید برای حل منازعات به آیات قرآن و راه‌حل‌های مبتنی بر آموزه‌های آن تمسک کنند. قرآن در این زمینه به‌عنوان یک قانون کلی و عمومی برای همیشه می‌فرماید: «هرگاه دو گروه از مؤمنان با هم به نزاع و جنگ پردازند، در میان آنها صلح بر قرار سازید». بدین معنا که این آیه هرگونه نزاع و درگیری را شامل می‌شود، هرچند به مرحله جنگ و نبرد نیز نرسد. بنابراین وظیفه همه دول اسلامی است که با تمسک به قرآن، از نزاع و درگیری و خونریزی میان مسلمین جلوگیری کنند، و با ایجاد هم‌گرایی سیاسی در صدد حل این مسایل برآیند.

نزدیک است. کشورهای اسلامی امروزه به سرزمین‌هایی اطلاق می‌شود که دین رسمی آنها اسلام و اکثریت سکنه آن مسلمان هستند. و دارالاسلام به سرزمینی گفته می‌شود که در آنها احکام اسلام جاری و نافذ است. و به تعبیر دیگر، جهان اسلام عبارت است از: همه اجتماعات و افراد مسلمان که در گذر چالش‌های هویتی ناشی از سلطه غیر در تاریخ معاصر، بعضاً اکثریت جمعیتی خود را از دست داده‌اند، ولی نسبت به ارزش‌های نمادین اسلام به‌عنوان یک کل پیوسته و منسجم با ابعاد گوناگون، پابندی خود را حفظ و در جهت ترویج آن و بازسازی هویت خود، در حد توان تلاش کنند، شامل جهان اسلام است (رجاء، ۱۳۹۰).

بنابراین مفهوم جهان اسلام، کشورهای اسلامی و دارالاسلام با هم نزدیک است و تفاوت‌های اندکی با هم دارند.

۲. مصلحت و هم‌گرایی سیاسی جهان اسلام

جهان اسلام از مشترکات تاریخی، فرهنگی، دینی و اصول مشترک همچون یکتاپرستی و توحید، کتاب آسمانی واحد به نام قرآن کریم، قبله واحد برخوردار است. حفظ مصلحت نظام اسلامی، حل و فصل منازعات مرزی و جهان اسلام از اموری است که باید مورد بررسی قرار گیرد.

۲-۱. حفظ نظام اسلامی با هم‌گرایی سیاسی دولت‌های مسلمان

یکی از ضوابط مصلحت، حفظ نظام اسلامی است که تحقق آن در پرتو هم‌گرایی سیاسی میان دول اسلامی صورت می‌گیرد، که این امور مهم از اختیارات حاکمان اسلامی است. پس داشتن اراده هم‌گرایی سیاسی در حاکمان اسلامی، خود مقدمه هم‌گرایی دولت‌های اسلامی در ابعاد دیگر نیز محسوب می‌شود. تحقق وحدت و هم‌گرایی سیاسی میان کشورهای اسلامی و استفاده از ظرفیت بزرگ جهان اسلام برای تأمین امنیت و توسعه همه‌جانبه و پایدار و در راستای تولید قدرت برای بازدارندگی و حفاظت از جهان اسلام در قبال طمع‌ورزی دشمنان، به ویژه رژیم آمریکا و رژیم غاصب صهیونیستی است. ایده وحدت و هم‌گرایی سیاسی، پرهیز از تفرقه، همکاری در سایه دولت یکپارچه اسلامی، از اصول اندیشه سیاسی اسلام است که ریشه‌های آن در قرآن آمده است: «وَأَعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَلَا تَفَرَّقُوا» (آل عمران: ۱۰۹).

۲-۱. حل منازعات مسلمانان در قرآن و روایات

خداوند در قرآن می‌فرماید: «وَإِنْ طَائِفَتَانِ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ اقْتَتَلُوا فَأَصْلِحُوا بَيْنَهُمَا فَإِنْ بَغَتْ إِحْدَاهُمَا عَلَى الْأُخْرَى فَقَاتِلُوا الَّتِي تَبْغِي حَتَّى تَفِيءَ إِلَى أَمْرِ اللَّهِ...» (حجرات: ۹)؛ یعنی اگر دو گروه از مؤمنان با هم نزاع کردند، میان آنها اصلاح کنید، پس اگر آشکار شد یکی از آنها بر دیگری ستم کرده، با آن گروه یاغی قتال کنید تا به حکم اجبار تسلیم امر خدا شود و اگر به سوی خدا برگشت میان آن دو طائفه به عدل اصلاح کنید، و عدالت را برقرار نمایید؛ چون خدا عدالت‌گستران را دوست می‌دارد. علامه طباطبائی در تفسیر آیه گفته‌اند: «کلمه «بغی»، مصدر کلمه «بغت» است و به معنای ظلم و تعدی بدون حق است و معنای آیه این است که اگر یکی از دو طایفه مسلمانان به طایفه دیگر بدون حق، ستم کرد، باید با آن طایفه که تعدی کرده قتال کنند تا به سوی امر خدا برگردند و دستورات الهی را گردن نهند (طباطبائی، ۱۳۹۰، ج ۵ و ۱۸، ص ۴۹۸).

پس می‌توان گفت که خداوند در این آیه به مسلمانان دستوراتی برای اصلاح جامعه اسلامی و کمک و حمایت از جان، مال و ناموس آنها و هتک نشدن حرمت انسان‌ها داده است. پس اگر چنانچه میان دو گروه از مؤمنان جنگ و نزاع واقع شد، وظیفه همه مسلمانان است که بین آنها صلح و امنیت برقرار کنند.

همچنین رسول اکرم ﷺ در روایتی می‌فرماید: «الْمُؤْمِنُ أَخُو الْمُؤْمِنِ كَالْجَسَدِ الْوَاحِدِ إِنْ اشْتَكَى شَيْئاً مِنْهُ وَجَدَ أَلَمَ ذَلِكَ فِي سَائِرِ الْبَدَنِ» (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۲، ص ۱۶۶)؛ یعنی مؤمن برادر مؤمن است؛ همانند یک جسم، که اگر چیزی از آن به درد بیاید، در همه بدن بروز می‌کند. بر اساس این روایت همه مسلمانان جهان، همانند یک پیکرند، به طوری که اگر مسلمانی در جایی از جهان دچار مشکل و مورد تجاوز شود، می‌بایست مسلمانان به مشکل و فریاد او برسند. مانند مسلمانان فلسطین که چندین سال در تحت سیطره اسرائیل غاصب می‌باشد. پس وظیفه همه مسلمانان است که به کمک و یاری آنان بشتابند و به هر شیوه ممکن به فریاد آنان رسیده و کمک کنند؛ چنان‌که اگر یاری نرسانده و کمک نکنند، در پیشگاه خداوند مسئول می‌باشند.

۲-۲. حل منازعات جهان اسلام در سیره نبوی

اقدامات و عملکرد رسول گرامی اسلامی ﷺ نیز حاکی از آن است که آن حضرت برای عبور از مشکلات و بحران‌های که در جامعه

اسلامی آن روز - همانند منازعات و درگیری‌های طولانی میان انصار و مهاجرین، فاصله قومی و نژادی و اقتصادی - فراوان بود، حضرت برای ریشه کن کردن موجبات اختلاف، دستور داد هر مهاجری با یکی از انصار پیمان برادری منعقد کند: «آخی رسول الله بین اصحابه من المهاجرین والانصار، فقال تأخو فی الله اخوین آخوین»؛ یعنی رسول خدا ﷺ میان اصحاب خود از مهاجران و انصار عقد اخوت بست و فرمود در راه خدا، دو به دو برادر یکدیگر شوید (هشام بن عبدالملک، ۱۹۸۵، ج ۱، ص ۵۰۱).

پس می‌توان گفت که بستن عقد اخوت و برادری میان مهاجرین و انصار توسط پیامبر اسلام ﷺ منجر به ایجاد وحدت و هم‌گرایی سیاسی میان آنان شد (علیخانی، ۱۳۸۷، ص ۲۰۶).

بنابراین دول اسلامی با تمسک به این آیه شریفه «لَقَدْ كَانَ لَكُمْ فِي رَسُولِ اللَّهِ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ» (احزاب: ۲۱) و تأسی به اقدامات آن حضرت، می‌توانند بحران‌ها و چالش‌هایی که جهان اسلام با آن مواجه است، حل نمایند. به طوری که می‌توان در حل این منازعات، وحدت رویه و هم‌گرایی سیاسی ایجاد و از نفوذ قدرت سلطه جلوگیری کرد.

۳-۲-۲. حدود مرزهای جهان اسلام در کلام فقهای امامیه

اسلام مهم‌ترین عنصر برای وحدت و هم‌گرایی سیاسی مسلمانان را، وحدت در عقیده دانسته، به طوری که مرزهای طبیعی و ملی به طور کلی ملاک نبوده، بلکه مرز عقیدتی در جهان اسلام حاکم است، که آن را دارالاسلام می‌نامند. به نظر می‌رسد در دوران معاصر، بهترین معنای دارالاسلام، جهان اسلام یا کشورهای اسلامی باشد. در اینجا به برخی از دیدگاه فقهای امامیه پرداخته می‌شود:

شهید اول دارالاسلام (جهان اسلام) را چنین تعریف کرده است: «المراد بدارالاسلام ما ینفذ فیها حکم الاسلام فلا یکون بها کافرا الا معاهدا... واما دارالکفر فهی ما ینفذ فیها احکام الکفار فلا یسکن فیها مسلم الا مسالماً» (شهید اول، ۱۴۱۲ق، ج ۳، ص ۷۸)؛ دارالاسلام منطقه‌هایی است که در آنها حکم اسلام جریان دارد و در آنجا کافری جز آنکه با مسلمانان پیمان دارد، یافت نمی‌شود... ولی دارالکفر به جاهایی گفته می‌شود که در آنها احکام و قانون‌های کافران به مورد اجرا گذاشته می‌شود و در آنجا مسلمان یافت نمی‌شود، مگر آنکه با کافران پیمان صلح بسته باشد. البته شهید اول در این تعریف، تنها نافذ بودن احکام اسلامی را مطرح می‌کند و به

امامیه نیز پرداخته شود.

آیت‌الله مصباح یزدی نیز محدوده جغرافیایی جهان اسلام را تا جایی می‌داند که مسلمانان بر آن حکومت می‌کنند و دارالاسلام (جهان اسلام) عبارت است از: سرزمین یا سرزمین‌هایی که امت اسلامی در آنجا زندگی می‌کنند و غیرمسلمانان نیز با شرایط خاصی می‌توانند در سایه حکومت اسلامی زندگی امن و مسالمت‌آمیزی داشته باشند و مرزهای طبیعی یا قراردادی این سرزمین‌ها دارالاسلام (جهان اسلام) محسوب می‌شود (مصباح یزدی، ۱۳۷۵). در نتیجه می‌توان گفت: الف) مناطقی که تحت سیطره حکومت اسلامی باشند و یا جزء بلاد اسلامی بوده‌اند؛ ب) مناطقی که بیشتر جمعیت آن مسلمان باشند و در اجرای احکام شرعی و اقامه شعائر آزادی عمل داشته باشند و سرزمین‌های که یکی از ویژگی پیشین را نداشته باشند دارالکفر محسوب می‌شوند. در نتیجه باید گفت که تعیین محدوده جغرافیایی جهان اسلام به تعریف فقها از دارالاسلام بستگی دارد. اما یکی از ضوابط، مصلحت و جوب حفظ دارالاسلام (جهان اسلام) است که بر همه دول اسلامی واجب است از کیان اسلامی دفاع کنند که در این صورت است، جان، مال، نسل، آبروی مسلمانان حفظ می‌شود. این مسئله تحقق پیدا نمی‌کند مگر در پرتو وحدت و هم‌گرایی سیاسی کشورهای اسلامی. با توجه به این مقوله که مرزهای ملی و جغرافیایی ملاک ثانویه است و اصل اولیه این است که ملاک معتبر، مرز عقیدتی می‌باشد، در نتیجه منازعات مرزی ملی و جغرافیایی میان دول اسلامی به‌وجود آمده، با هم‌گرایی سیاسی آنان و با تأکید بر مرز عقیدتی حل می‌شود.

۳. مصلحت و هم‌گرایی امنیتی جهان اسلام

بدون تردید تحقق امنیت از نیازهای اساسی و لازمه رشد و پیشرفت جوامع بشری می‌باشد. جهان اسلام بیرون از این قاعده نبوده و برای سیاست‌های راهبردی خود نیاز به امنیت دارد و از مسائل مهم تأثیرگذار بر امنیت در جهان اسلام، مسئله ایجاد هم‌گرایی امنیتی می‌باشد؛ چون امکان رسیدن به اهداف و آرمان‌های اسلامی تنها از این راه میسر است.

۳-۱. هم‌افزایی نظامی و امنیتی دولت‌های اسلامی

دولت‌های اسلامی با حمایت و پشتیبانی ملت‌های خود، قادر خواهند بود یک ارتش مشترک دفاعی با یک پرچم، در جهان اسلام داشته

میزان جمعیت مسلمانان اشاره نکرده و نیز نسبت به اینکه مسلمانان حکومت داشته باشند، مطلبی نفرموده است، مگر اینکه بگوییم لازمه نافذ بودن احکام اسلامی این است که حاکمیت از آن مسلمانان باشد، آنجا که می‌فرماید: کافری نباشد مگر اینکه پیمان بسته باشد. البته این در جایی است که مسلمانان در آن حاکمیت داشته باشند.

شیخ طوسی در مبحث لقطه محدوده دارالاسلام (جهان اسلام) را این‌گونه بیان می‌کند: «دارالاسلام علی ثلاثة اضرب: بلد بنی فی الاسلام ولم یقر بها المشرکون کبغداد والبصرة... والثانی کان دار کفر فغلب علیها المسلمون او اخذوها المسلمون او اخذوها صلحا واقروههم علی ماکانوا علیه علی أن یؤدوا الجزیة... والثالث: دار کانت للمسلمین وغلب علیها المشرکون مثل الطرسوس» (طوسی، ۱۳۸۷، ص ۴۵). بر اساس این دیدگاه دارالاسلام شامل سه سرزمین است: ۱. سرزمین‌های که به‌دست خود مسلمانان ساخته شده است، مثل بغداد و بصره؛ ۲. سرزمین‌های که از آن کفار بوده و مسلمانان آن را فتح کرده‌اند؛ ۳. سرزمین‌های که از آن مسلمانان بوده و کفار آنها را گرفته‌اند. این دیدگاه سرزمین‌های مسلمانان را حتی اگر اکنون تحت سیطره کفار باشند، جزئی از سرزمین‌های اسلامی می‌داند.

بنابراین دیدگاه شیخ طوسی در مقایسه با دیدگاه شهید اول، محدوده بیشتری را جزء دارالاسلام (جهان اسلام) به‌حساب می‌آورد؛ گرچه شیخ طوسی با مطرح کردن این سه نوع سرزمین به جمعیت مسلمانان، در اکثریت و اقلیت بودن آنها و نیز به داشتن حکومت اسلامی در این سرزمین اشاره‌ای ندارد.

علامه حلی در کتاب *تذکره دارالاسلام* (جهان اسلام) را چنین تعریف کرده است: «ن دارالاسلام قسمان: الف: دار خطها المسلمون کبغداد والبصرة والکوفة... ب: دار فتحها المسلمون کمداین والشام...»؛ از دیدگاه علامه، دارالاسلام (جهان اسلام) دو قسم است: الف) سرزمین‌های که مسلمانان بنا کرده‌اند، مانند بغداد و بصره و کوفه؛ ب) سرزمین‌های که مسلمانان فتح کرده‌اند. بنابراین سرزمین‌های که مسلمانان بنا یا فتح کرده‌اند جزء دارالاسلام محسوب می‌شوند. اما نظر علامه در اینکه آیا سرزمین‌های که از آن مسلمانان بوده و کفار بر آنها مسلط شده‌اند جزء دارالاسلام محسوب می‌شوند یا نه؟ بر خلاف نظر شیخ طوسی است: «واما دارالکفر فعلی ما اخترناه قسمان: الف: بلد کان للمسلمین فغلب الکفار علیه... ب: ان لم یکن للمسلمین اصلا کبلاد الهند والروم» (ابن قدامه، ۱۳۹۸ق، ص ۴۰۶-۴۰۷). در اینجا مناسب است که به دیدگاه فقهای معاصر

نیروهای نظامی بیفتند که در این صورت مطمئناً شکست خواهند خورد و در معرض نابودی قرار خواهند گرفت.

۳-۳. افزایش قدرت نظامی و دفاعی در آیات و روایات
ضرورت افزایش قدرت نظامی و دفاعی دول اسلامی امری مسلم و قانونی است و آیات و روایات نیز بر چنین ضرورتی تأکید دارند.

۳-۱-۳ آیات

الف) خداوند در قرآن مسلمانان را به افزایش توان و قدرت نظامی دستور می‌دهد؛ چنان‌که در آیه ۶۰ انفال می‌فرماید: «وَأَعِدُّوا لَهُمْ مَا اسْتَطَعْتُمْ مِنْ قُوَّةٍ» (انفال: ۶۰)؛ یعنی هر نیرو، قدرت و توانی که دارید، برای مقابله با آنها [دشمنان] آماده سازید. بر اساس این آیه، خداوند به مسلمانان دستور می‌دهد تا از همه توان و نیروی خود، جهت آمادگی و تقویت نیروی نظامی و دفاعی استفاده کنند. همچنین در تفسیر آیه مذکور آمده است که این دستور الهی نه تنها برای آمادگی نظامی حتی در زمینه سرود و شعار نیز می‌باشد، به طوری که مسلمانان باید از هر ابزاری جهت نمایش قدرت و ایجاد

ترس و وحشت در دل دشمن استفاده کنند؛

ب) همچنین خداوند در آیه شریفه دیگر می‌فرماید: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اصْبِرُوا وَصَابِرُوا وَرَابِطُوا وَاتَّقُوا اللَّهَ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ» (آل عمران: ۲۰۰)؛ یعنی ای کسانی که ایمان آورده‌اید [در برابر مشکلات و هوس‌ها] استقامت کنید و در برابر دشمنان نیز استقامت به خرج دهید و از مرزهای خود، مراقبت به عمل آورید و از خدا بپرهیزید شاید رستگار شوید. بر اساس این آیه منظور از مرابطه، «نگهداری نیروهای رزمی و آماده‌باش جهت محافظت و حراست از مرزهای کشور و زیر نظر داشتن دشمن و مراقبت از حرکات مشکوک می‌باشد» (شهید ثانی، ۱۴۱۲ق، ج ۲، ص ۳۸۵). بدون تردید تحقق یافتن چنین دستوری، لازمه‌اش برخورداری از نهاد و سازمانی است که با سازماندهی نیروهایش به حفاظت و پاسداری از مرزهای دول اسلامی پرداخته، به طوری که دشمن و تحرکات مشکوک‌شان را زیر نظر داشته باشد. به طوری که این کار باعث می‌شود تا مسلمانان در سایه آن سریع‌تر و بهتر به فلاح و رستگاری برسند.

۳-۲-۳ روایات

الف) امام علی علیه السلام نیز نیروهای نظامی و دفاعی را سبب عزت دین و

باشند، که بزرگ‌ترین قدرت در جهان محسوب شوند، البته باید گفت که دولت‌های منطقه جهان اسلام قادر خواهند بود که زیر پرچم اسلام، به چنین کاری اقدام کنند، بدون در نظر گرفتن زبان، نژاد و مذهب موجود در جهان اسلام، که با طرح‌ریزی چنین کاری خود را از چنگال قدرت‌های سلطه‌گر و ابرقدرت‌ها نجات دهند و طعم خوش استقلال و آزادی را بچشند. به طوری که برای دستیابی به چنین قدرتی نیاز است، هر یک از دولت‌ها با تفاهم ملت خود برای دفاع از کشورشان به چنین طرح نجات‌بخشی دست بزنند. امام خمینی علیه السلام در مورد دفاع نظامی در سطح ملی، اصولی چون «ضرورت حضور تمامی اقشار جامعه در صحنه دفاع از کشور اسلامی همراه با آمادگی دفاعی» لازم است (موسوی خمینی، ۱۳۷۸، ج ۱۱، ص ۲۴۴). همچنین در سطح فراملی نیز جهان اسلام به مواردی چون «ضرورت تشکیل بسیج در سطح جهان اسلام»، (همان، ص ۵۳) دعوت می‌شود. در همین زمینه جبهه جهانی مستضعفین نیز به سوی اموری چون «هوشیاری نسبت به ابرقدرت‌ها در زمینه جنگ آفرینی میان جوامع»، (همان، ج ۱۳، ص ۵۳) هدایت می‌گردند.

۳-۲. حفظ مصالح دول اسلامی در هم‌افزایی قدرت نظامی

از جمله ضوابط مصلحت، حفظ جان و مال و نسل مسلمانان است که در سایه قدرت و توان نظامی و دفاعی، محقق می‌شود. به طوری که این توان و قدرت ضامن بقا و تأمین امنیت کشورهای اسلامی محسوب می‌شود. بنابراین مصلحت سیاسی در این است که دول اسلامی از جنگ‌افزارها، تسلیحات و تجهیزات مدرن و پیشرفته برخوردار باشند، تا منافع آنان تأمین و مصالح‌شان حفظ و مقاصد شارع برآورده شود. بدین معنا که با وجود افزایش قدرت نظامی و دفاعی و تقویت آن هیچ دشمنی به خود اجازه حمله به دارالاسلام ندهند تا جان، مال، نسل و ناموس و آبروی مسلمانان در خطر قرار بگیرد؛ چون از نظر اسلام افزایش تجهیزات نظامی و دفاعی مدرن و پیشرفته برای ایجاد جنگ و خونریزی و خسارت زدن به دشمن نیست، بلکه پیشگیری از جنگ است و مجهز شدن به این ابزارها حالت بازدارندگی دارد (نژادی دامغانی، ۱۳۸۷، ص ۷۵). بنابراین دول اسلامی با توجه به آموزه‌های قرآنی و سیره عملی پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و سلم و سایر پیشوایان دینی باید در هر زمان و مکانی خود را به انواع سلاح‌های جنگی و آنچه که قدرت و نیروی آنها را در برابر دشمن پیدا و پنهان افزایش می‌دهد مجهز کنند و منتظر نباشند تا پس از حمله دشمن به فکر تجهیز

ابزارهای نظامی و جنگی، می‌فرماید: «إِنَّ اللَّهَ عَزَّوَجَلَّ لَيَدْخُلُ الْجَنَّةَ بِالسَّهْمِ الْوَاحِدِ الثَّلَاثَةِ الْجَنَّةِ، عَامِلُ الْخَشْبَةِ وَالْمَقْوَىٰ بِهِ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَالرَّامَىٰ بِهِ فِي سَبِيلِ اللَّهِ» (شهید ثانی، ۱۴۱۴ق، ج ۱۱، ص ۱۰۸)؛ یعنی آگاه باشید که خداوند به وسیله یک تیر جنگی، سه نفر را داخل بهشت می‌کند؛ اول، کسی که چوب کمان را بسازد؛ دوم، کسی که رزمنده را در راه خدا تجهیز کند؛ سوم، کسی که تیر را در راه خدا [به سوی دشمن] پرتاب کند. و در جای دیگر می‌فرماید: «عَلِّمُوا أَبْنَاءَكُمْ الرَّمَىٰ وَالسَّبَاحَةَ»؛ یعنی به فرزندان خود تیراندازی و شنا بیاموزید (نوری، ۱۴۰۸ق، ج ۲، ص ۲۶۶).

بنابراین سیره عملی پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم و دیگر پیشوایان بزرگ دینی حاکی از اهتمام آنها نسبت به مجهز بودن سپاه اسلام به انواع ابزارهای جنگی و آمادگی‌شان در برابر هرگونه هجوم دشمن به سرزمین‌های اسلامی است؛ چنان‌که دستور رسول گرامی اسلام صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم نیز در این راستاست؛ به‌طوری‌که امت اسلام همواره از آمادگی نظامی و دفاعی بیشتر برخوردار باشد. در نتیجه باید گفت: باتوجه به اهتمام آیات و روایات و سیره عملی پیامبر اسلام صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم، می‌بایستی دولت‌های اسلامی همواره در صدد افزایش توان نظامی و دفاعی خود در مقابل دشمنان اسلام؛ همانند رژیم اسرائیل و قدرت سلطه باشد و با تشکیل یک ارتش مشترک در جهان اسلام زیر یک پرچم الله و تأسی به اقدامات پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم یک‌سوی مستحکم و نفوذناپذیر در مقابل قدرت‌های استعماری و استکباری جهان بسازند و امید برای مستضعفان و مظلومان جهان و یار و یاور مسلمانان دریند؛ همانند مردم فلسطین باشند؛ چون در سایه سازماندهی نیروهای نظامی دفاعی و تشکیل ارتش مشترک در جهان اسلام و تجهیز آنان به ابزارهای جنگی و دفاعی پیشرفته روز، دولت‌های اسلامی قادر خواهند بود تا از هجوم و تحرکات دشمنان و بیگانگان به جغرافیای جهان اسلام جلوگیری کرد و همچنین با هم‌گرایی‌های امنیتی، نظامی و دفاعی و مانورهای نظامی و دفاعی کشورهای اسلامی در مرزها و قلمرو جهان اسلام، مانع هرگونه تحرکات و اقدامات دشمن خواهد شد؛ چون این توان و افزایش نظامی و دفاعی حالت بازدارندگی دارند، به‌طوری‌که از تحرکات و تهاجمات دشمن جلوگیری می‌کنند و باعث ترس و رعب و وحشت در دل آنان می‌شوند. بنابراین مسلمانان باید از نظر امکانات و ابزارهای نظامی و دفاعی، طوری مجهز باشند که وجود سپاه اسلام در دل دشمنان و بیگانگان ایجاد رعب و وحشت کند، به‌صورتی که حتی فکر حمله

امنیت جامعه می‌داند، به‌طوری‌که در نامه ۵۳ *نهج البلاغه* در عهدنامه مالک اشتر می‌فرماید: «فَالْجُنُودُ يَأْذَنُ اللَّهُ حُصُونُ الرَّعِيَّةِ، وَزَيْنُ الْوَلَاةِ، وَعَزُّ الدِّينِ، وَسَبْلُ الْأَمْنِ وَلَيْسَ تَقْوَمُ الرَّعِيَّةُ إِلَّا بِهِمْ»؛ یعنی اما لشکرها، به فرمان خدا دژهای استوار رعیت‌اند و زینت والیان دین به آنها عزت یابد و راه‌ها به آنها امن گردد و کار رعیت جز به آنها استقامت نپذیرد. بنابراین حضرت در این نامه، آثار و برکات وجود نیروهای مسلح را که در واقع هدف و مأموریت آنان را نیز ترسیم می‌نماید، در سنگربانی و حفاظت از مردم، زینت و شکوه‌مندی رهبر، حفاظت و پیشبرد مکتب و امنیت کشور می‌داند؛ (ب) پیامبر اسلام صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم نیز در حدیثی می‌فرماید: «الْخَيْرُ كُلُّهُ فِي السِّيفِ وَتَحْتَ ظِلِّ السِّيفِ وَلَا يُقِيمُ النَّاسَ إِلَّا السِّيفُ وَالسِّيُوفُ مَقَالِيدُ الْجَنَّةِ»؛ یعنی همه خوبی‌ها در شمشیر و در زیر سایه شمشیر است و مردم جز به وسیله شمشیر استوار نشوند و شمشیرها کلید بهشت و جهنم است (شهید ثانی، ۱۴۱۴ق، ج ۱۰، ص ۱۶۷).

۳-۴. تقویت توانمندی نظامی و دفاعی در سیره اهل‌بیت علیهم‌السلام

سیره عملی رسول گرامی اسلام صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم، ائمه معصومین علیهم‌السلام و رهبران بزرگ دینی نشانگر این است که آنان برای مقابله با دشمن از هیچ فرصتی غفلت نمی‌کردند. به‌طوری‌که در تهیه تسلیحات و نیروها و سربازان، تقویت روحیه آنان، مشخص نمودن محل پادگان نظامی و تعیین زمان مناسب برای حمله کردن به دشمن و به‌کارگیری هر نوع تاکتیک نظامی و جنگی، هر کاری که در این زمینه کمک می‌کرد، استفاده می‌کردند و از نظر دور نمی‌داشتند (مکارم شیرازی، ۱۳۸۶، ج ۲، ص ۱۶۴)، بلکه مسلمانان خود را با سلاح و ابزار جنگی روز مجهز می‌کردند؛ چنان‌که این موضوع قبلاً به آن پرداخته شد. مشهور است که پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم در جنگ حنین مطلع شد که سلاح جدید مهمی در یمن ساخته شده است، آن حضرت فوراً افرادی را به یمن فرستاد تا ارتش اسلام به آن سلاح مجهز شوند (مکارم شیرازی، ۱۳۷۳، ج ۷، ص ۲۲۴). به‌طوری‌که پیامبر اسلام صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم برای تهیه سلاح‌های نظامی و دفاعی، ارزش و اهمیت فوق‌العاده‌ای قائل بودند؛ چنان‌که پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم در عملیات فتح خیبر، سی تن از آهنگران یهود را که به‌دست مسلمانان اسیر شده بودند، آزاد کرد تا مسلمانان از صنعت آنان بهره‌مند شوند؛ چراکه در شهر مدینه یهودیان در صنعت شمشیرسازی و زره و دیگر ادوات جنگی مشهور بودند (سلیمانی‌خواه، ۱۳۹۱، ص ۲۴۹). همچنین رسول گرامی اسلام صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم جهت تشویق مسلمانان، برای مبارزه و تهیه

تسلیحاتی، جنگ افزاری است که بسیار زیادی از انسان‌ها را بدون تفکیک و مهارنشده از بین می‌برد و شامل سلاح‌های هسته‌ای، شیمیایی و بیولوژیک می‌شود.

۳-۴. منع استفاده از سلاح‌های کشتار جمعی در فقه امامیه

سلاح‌های غیرمتعارف چه در صدر اسلام و چه در دوره معاصر مطرح بوده است و استفاده از آن در جنگ‌ها مشروع نبوده است، اما «منظور از سلاح‌های غیرمتعارف یا کشتار جمعی، جنگ افزارهایی هستند که برای انسان و هر موجود زنده‌ای بیشترین خطر را به دنبال دارند. خطر آنها علاوه بر نسل امروز، نسل‌های آینده را نیز تهدید می‌کند؛ زیرا هم قدرت تخریب آنها بسیار وسیع است و هم تا مدت‌ها اثرات مخرب آنها محیط‌زیست را به مخاطره می‌اندازد. تاکنون کشورهای زیادی خسارت‌هایی ناشی از این نوع سلاح‌ها را متحمل شده‌اند» (عبدی و هاشمی، ۱۳۹۷). با توجه به اینکه در صدر اسلام، سلاح‌های شیمیایی و میکروبی و هسته‌ای وجود نداشته است، لیکن نمونه‌های کوچک‌تری در آن زمان بوده است، که از جنبه‌های مختلف مشابه سلاح‌های غیرمتعارف دوره معاصر است؛ لذا می‌بایست حکم آنها را به سلاح‌های غیرمتعارف دوره معاصر نیز جاری و ساری دانست. از جمله مسموم کردن مناطق، آتش زدن درختان و مزارع و خانه‌ها، آب بستن بر روی دشمن جهت غرق کردن آنها.

پیامبر اسلام ﷺ و ائمه معصومین علیهم‌السلام به نوعی در مقابل هریک از اینها موضع گرفتند و استفاده از این قبیل سلاح‌ها را در آن عصر منع کرده‌اند. از آنجا که مسموم کردن مناطق مسکونی مشابهت بیشتری با سلاح‌های غیرمتعارف دارد. در اینجا لازم است به برخی دیدگاه فقهای امامیه پرداخته شود.

شیخ طوسی در کتاب *النهایه*، در زمینه به‌کارگیری ابزارهای جنگی غیرمتعارف می‌نویسد: «فانه لا یجوز أن یلقی فی بلادهم السم» (طوسی، ۱۴۰۰ق، ص ۵۱)؛ یعنی همانا به تحقیق جایز نیست در مناطق کفار سم پاشیده شود. پس به‌کارگیری ابزارهای نظامی غیرمتعارف در جنگ، مانند «سم» در فقه امامیه مشروع نبوده و حرام است. *ابن‌ادریس حلی* نیز در این زمینه می‌فرماید: «یجوز قتال الکفار بسائر انواع القتل واسبابه الا بتفریق الساکن ورمیمهم بالغیران والقاء سم فی بلادهم فانه لا یجوز أن یلقی السم فی بلادهم» (ابن‌ادریس حلی، ۱۴۱۰ق، ص ۲-۷). پس از نظر *ابن‌ادریس حلی* نیز پاشیدن سم مناطق جنگی و بلاد کفار جایز نیست و حرام می‌باشد. شهید *اول* نیز

به سرزمین‌های اسلامی را از سر بیرون کند. بدون تردید اسلام برای جلوگیری از نزاع و جنگ به مسلمانان سفارش می‌کند باید در مقابل دشمن خیلی قوی و قدرتمند باشند تا خیال حمله را هم نداشته باشند، به‌طوری که عزت و آبرو و اعتبار نیز حفظ شود؛ چون جنگ توأم با ضایعات روحی، روانی، جانی و مالی زیادی می‌باشد.

۳-۵. تجهیز دولت اسلامی به ابزارهای جنگی متعارف

یکی از مسائلی که در مباحث جنگی مطرح می‌گردد، سلاح‌های متعارف و غیرمتعارف است. اما «منظور از سلاح‌های متعارف، سلاح‌هایی هستند که قبل از هر چیز، هدف‌شان لطمه به اشخاص می‌باشد و بر تأسیسات و استحکامات نظامی اثر نمی‌گذارند، به‌طوری که تنها یک کیسه شن معمولی قادر است سد راه آنها گردد و تنها به گوشت بدن یا حیوان بدون وجود محافظ نفوذ کنند» (ضیایی بیگدلی، ۱۳۸۱، ص ۸). البته باید گفت که اکثر کشورهای اسلامی در منطقه خاورمیانه، از صنعت بومی‌سازی سلاح‌های جنگی برخوردار نیستند، به‌طوری که توانایی نظامی و دفاعی آنها وابسته به وارد کردن سلاح از کشورهای غربی است. اکثر کشورها همانند مصر، بحرین، عمان، ترکیه، عراق، کویت، عربستان سعودی، و امارات سلاح‌هایشان از سوی آمریکا تأمین می‌شود. پس در این عرصه از زندگی اجتماعی، جنگ با تکنولوژی و ابزارهای پیشرفته نظامی درآمیخته است، به‌طوری که این تکنولوژی و ابزار آلات جنگی از ارمغان‌های تمدن غرب، در کشورهای اسلامی است، که با پیشرفته‌ترین سطح تکنولوژی و ابزارهای نظامی و دفاعی آنان را در خود جای داده است. بنابراین کشورهای اسلامی زمانی متوجه عقب‌ماندگی‌شان در زمینه تکنولوژی نظامی شدند که دچار شکاف عمیق تسلیحاتی با قدرت‌های پیشرفته جهان شدند. به‌طوری که جهان اسلام میدان رقابت برای استفاده از این ابزارهای جنگی بر علیه یکدیگر شد.

در نتیجه باید گفت مصلحت جوامع و دولت‌های اسلامی در آن است که با توجه به اینکه سلاح‌های متعارف غیر از جنگ‌افزارهای کشتار جمعی، شیمیایی و میکروبی و اتمی گفته می‌شود؛ پس داشتن سلاح متعارف حق همه کشورهای است، مخصوصاً دول اسلامی که برای دفاع از سرزمین‌های جهان اسلام باید مجهز به آن سلاح‌ها باشند. و همچنین استفاده از سلاح‌های انفجاری که رایج در جنگ‌های معاصر است، که کم‌وبیش در دستور کار همه ارتش‌های جهان نیز قرار دارد. اما مراد از سلاح‌های غیرمتعارف یا کشتار جمعی

فکر حمله به سرزمین‌های اسلامی نکنند؛ چنان‌که اگر کشوری اسلامی از جانب دشمنان اسلام مورد تهدید و هجوم قرار گیرد، وظیفه همه مسلمانان است که از آن دفاع و یا کمک تسلیحاتی و ادوات جنگی به کشور مسلمان بکنند که مورد تجاوز و تهاجم قرار گرفته است، البته این اقدامات خود، حکایت از هم‌گرایی امنیتی و دفاعی دارد، که توسط دول اسلامی صورت می‌گیرد.

۳-۷. مشروع نبودن فروش ابزارهای جنگی به دول غیراسلامی

استفاده از سلاح، یکی از مسائل مهم قدرت ملتها و دولت‌هاست که نقش قابل توجهی در زندگی‌شان دارد. فروش اسلحه به دشمنان باعث تقویت نظامی و دفاعی آنها می‌شود و جامعه اسلامی در معرض خطر واقع می‌شود. روایات، فروش تسلیحات را به دشمنان حرام دانسته، اما برخی مواقع اوضاع و احوال جامعه اسلامی طوری است که فروش اسلحه به دشمنان نه تنها سرزمین‌های اسلامی را به خطر نمی‌اندازد، بلکه منافی را برای مسلمانان تأمین می‌کند؛ مانند جایی که میان دو گروه از دشمنان اسلام، که یکی از آنها قوی و خطرناک‌تر از دیگری برای مسلمانان است، درگیری به وجود آید. در این صورت فروش سلاح به دشمن ضعیف‌تر، تقویت او برای از بین بردن دشمن قوی‌تر جائز می‌باشد. در این زمینه سه دیدگاه وجود دارد: دیدگاه اول: مشروع نبودن فروش ابزار نظامی به کافران؛ فقهای بسیاری بر این نظرند که به‌طور مطلق، این امر در ردیف تجارت‌های نامشروع است. شیخ مفید از فقهای امامیه در این زمینه می‌گوید: «وبیع السلاح لاعداء الدین حرام وعمله لمعوتهم علی قتال المسلمین» (شیخ مفید، ۱۴۱۳ق، ج ۱۴، ص ۵۸۸)؛ یعنی فروش جنگ‌افزار و ساختن آن برای دشمنان دین حرام است؛ چون آن را در راه جنگ با مسلمانان به کار می‌گیرند. شیخ طوسی نیز در *نهایه* می‌نویسد: «وبیع السلاح لسائر الکفار واعداء الدین حرام وکذلک عمله لهم والتکسب بذلک ومعوتته علی قتال المسلمین واخذ الاجره علی ذلک حرام» (طوسی، ۱۴۰۰ق، ص ۳۶۵)؛ یعنی فروش سلاح به دیگر کفار و دشمنان دین و نیز ساختن ابزار جنگی برای آنان، حرام است و نیز گذران زندگی از این راه کمک به آنان در جنگ با مسلمانان و مزد گرفتن برای این کار، نامشروع است. شهید اول نیز بدون هیچ قید و شرط فروش جنگ‌افزار به کافران و دشمنان دین را

در این زمینه می‌فرماید: «ولا يجوز القاء السمّ علی الأصح» (محمدبن مکی عاملی، بی‌تا، ص ۳۲ و ۳۳)؛ یعنی پاشیدن زهر و سم در بلاد کافران، مشرکان و مناطق جنگی بنا بر قول قوی و صحیح‌تر جائز نیست. *آیت‌الله محمد صر* هم در این زمینه می‌فرماید: «فهو مضافاً الی حرمة تسمیم مناطق المشرکین وبلادهم، یصرح بان السم، وان ورد فی روایة السکونی به عنوان مما لا شک فی عدم موضوعیته، فهو یشمل من جهة الماکل کل سلاح غیر تقلیدی» (صدر، ۱۴۲۰ق، ص ۳۸۴)؛ یعنی افزون بر فتوا به حرمت مسموم کردن مناطق و بلاد مشرکان، یک قدم جلو می‌گذارد و تصریح می‌کند، هرچند در روایت سکونی عنوان سم به کار رفته است، اما بی‌شک سم موضوعیت ندارد، بلکه از نظر ملاک هرگونه سلاح غیرمتعارف را شامل است. *آیت‌الله خویی* هم می‌فرماید: «لا يجوز القاء السم فی بلاد المشرکین لنهی النبی ﷺ فی معتبره السکونی عن ابی عبدالله ﷺ قال امیر المؤمنین ﷺ نهی رسول الله ﷺ أن یلقى السم فی بلاد المشرکین» (خوئی، ۱۴۱۰ق، ص ۳۷۱)؛ یعنی جائز نیست انداختن زهر در شهرهای مشرکین؛ چراکه پیامبر ﷺ از آن نهی کرده است و در روایت معتبره سکونی از امام صادق ﷺ که ایشان از امام علی ﷺ نقل می‌کند که پیامبر اکرم ﷺ از القای زهر در بلاد مشرکین، نهی فرموده است. و صاحب *جوهر* نیز در مورد کاربرد سلاح‌های غیرمتعارف فرموده است: «یحرم القاء السم». بنابراین کشتن دشمن حتی در صحنه جنگ، هرچند تنها راه پیروزی مسموم کردن منطقه جنگی باشد، جایز نیست. پس بر اساس روایات معتبره و دیدگاه فقهای امامیه و استفتانات اکثر مراجع تقلید معاصر شیعه، استفاده از ابزارهای جنگی غیرمتعارف در جنگ حرام می‌باشد؛ چون به‌کارگیری آنها از مصادیق مسموم کردن مناطق جنگی محسوب می‌شود.

در نتیجه باید گفت: با توجه به متون فقهی شیعه و آیات و روایات و دیدگاه‌های فقهای امامیه استفاده از ابزارهای جنگی و دفاعی غیرمتعارف در جنگ‌ها از نظر فقه امامیه حرام می‌باشد ولو پیروزی و پیشرفت جنگی و دفاعی مسلمانان به آن بستگی داشته باشد. بنابراین تفاوت اسلام و کفار از به‌کار بردن ابزارهای جنگی غیرمتعارف در جنگ‌ها مشخص می‌شود؛ چنانچه کفار و دول غیراسلامی از به‌کار بردن ابزارهای دفاعی غیرمتعارف هیچ پروایی ندارد، بلکه برای پیشرفت خود از هر ابزاری استفاده می‌کنند. بنابراین با تجهیز شدن دول اسلامی به ادوات نظامی و دفاعی چنان رعب و وحشت را در دل دشمنان اسلام به وجود می‌آورد که آنان هیچ وقت

در این زمینه می‌گوید: «ان هذا الامر من شئون الحکومه والدوله و ليس امرا مضبوطا بل تابع لمصلحه اليوم ومقتضيات الوقت» (موسوی خمینی، ۱۳۶۸، ص ۱۵۳)؛ یعنی فروش سلاح به دیگران از شئون و مسئولیت‌های حکومت و دولت است. این کار برنامه‌های دگرگون‌ناپذیر نیست، بلکه تابع مصلحت روز و نیازهای زمان است. امام علیه السلام در *تحریر الوسیله* نیز، بر مصالح مسلمانان و نقش زمان در فروش سلاح به دشمنان دین تأکید کرده و نوشته، این کار مهم و حساس در حوزه اختیارات والی و زمامدار مسلمانان بوده و دیگران در آن حق دخالت ندارند (همان، ص ۴۹۶). مستندات امام راحل علیه السلام نیز همان سه دسته از منابع فقهی «کتاب، سنت و عقل» که فقها به آن تمسک کرده بودند، می‌باشد. در نتیجه باید گفت که افزایش قدرت و توان نظامی و دفاعی کشورهای اسلامی یک امری واجب و ضروری است که مصلحت سیاسی دولت‌های اسلامی در این است که مجهز به افزارهای جنگی مدرن و پیشرفته باشند تا منافع مسلمانان را تأمین و مصالح آنان را حفظ کند و هیچ دشمنی فکر حمله و تجاوز به سرزمین‌های اسلامی را به خود ندهند و جان، مال، نسل، ناموس و آبروی مسلمانان حفظ شوند و مقاصد شارع نیز همین است. البته باید گفت که در دیدگاه اسلام هدف از افزایش قدرت نظامی و دفاعی و مجهز شدن به افزارهای جنگی مدرن و پیشرفته برای حمله و جنگ با دشمن نیست، بلکه هدف پیشگیری و جلوگیری از آن است و یک حالتی بازدارندگی دارد. همچنین براساس آیه شریفه «وَأَعِدُّوا لَهُمْ مَا اسْتَطَعْتُمْ مِنْ قُوَّةٍ»؛ یعنی هرچه در توان و قدرت دارید برای مقابله با دشمن آماده کنید. بنابراین وحدت رویه در این زمینه و تمرکز بر دشمن مشترک منجر به هم‌گرایی امنیتی و دفاعی میان کشورهای اسلامی می‌شود.

نتیجه‌گیری

نتیجه آنکه یگانه راه حل حفظ مصالح مسلمانان و چاره‌اندیشی منازعات مرزی کشورهای اسلامی، تمسک به کتاب مقدس (قرآن کریم) و سیره و اقدامات پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله به‌عنوان الگو و مقتداست. از منظر اسلام، تنها مرز عقیدتی حاکم بر دارالاسلام (جهان اسلام) و عامل وحدت و هم‌گرایی سیاسی و امنیتی میان مسلمانان است و اساساً دارالاسلام، محدود به مرزهای جغرافیایی نیست. همچنین برخورداری جهان اسلام از امنیت، از نیازهای اساسی و اصولی است.

نامشروع دانسته‌اند (شهید اول، ۱۴۱۱ق، ج ۳، ص ۱۰۸). این دیدگاه به سه دسته از منابع فقهی تمسک جسته‌اند: ۱. عقل: حکم عقل به نامشروع بودن فروش سلاح به کفار؛ ۲. کتاب: آیه شریفه «وَلَا تَعَاوَنُوا عَلَى الْإِثْمِ وَالْعُدْوَانِ»؛ یعنی فروش اسلحه به کافران و دولت‌های غیراسلامی، از مصداق‌های مشخص ستم و دشمنی محسوب می‌شود؛ ۳. روایت: در روایت نیز آمده است که علی بن جعفر می‌گوید: از برادرم موسی بن جعفر درباره بردن کالا برای مشرکان نظر خواستم. وی پاسخ داد: اگر کالا ابزار جنگی نباشد، بی اشکال است؛

دیدگاه دوم: قاتل شدن تفصیل بین زمان جنگ و صلح: این گروه بر این باورند در وقت جنگ، فروش سلاح به کافران جایز نیست و در وقت صلح و سازش جایز است. *ابن‌ادریس* می‌نویسد: «و عمل السلاح مساعده ومعونه لاعدا الدین و بیعه لهم اذا كانت الحرب قائمه بیننا و بینهم فذا لم یکن ذلک و کان زمان هدنه فلا یاس بحمله الیهیم و بیعه بهم» (ابن‌ادریس حلی، ۱۴۱۰ق، ج ۲، ص ۲۱۶)؛ یعنی کمک تسلیحاتی و فروش سلاح به دشمنان دین در وقت جنگ میان ما و آنان حرام است، ولی در وقت صلح، بردن اسلحه برای آنان و فروش کالای نظامی به آنان جایز است. *مقدس اردبیلی* (مقدس اردبیلی، ۱۳۷۹، ج ۸، ص ۴۴)، *صاحب حدیق* (بحرانی، ۱۴۰۵، ج ۱۸، ص ۲۰۸) و *صاحب جواهر* (نجفی، ۱۴۰۴ق، ج ۲۲، ص ۲۸) نیز قائل به تفصیل‌اند. مستندات این دیدگاه روایت *ابی‌بکر حضرمی* و روایت *هند سراج* است. *ابی‌بکر حضرمی* می‌گوید: «دخلنا علی ابی عبدالله علیه السلام فقال له حکم السراج: ما تقول فیمن یحمل الی الشام السروج واداتها؟ فقال: لا یاس. انتم الیوم بمنزله اصحاب رسول الله صلی الله علیه و آله انکم فی هدنه. فاذا کانت المباینه حرم علیکم ان تحملوا السروج والسلاح» (حرعاملی، ۱۴۱۴ق، ج ۱۲، ص ۶۹)؛ بر امام صادق علیه السلام وارد شدیم و درباره حکم سراج از امام سوال شد: حکم کسی که برای شامیان زین و دیگر ابزار رزمی می‌برد چیست؟ فرمود: مانعی ندارد. شما اینک چون یاران پیامبر صلی الله علیه و آله و در وضع و حال صلح به‌سر می‌برید، اگر میان ما و شامیان جنگ در گرفت، بردن زین و اسلحه برای آنان نامشروع است؛

دیدگاه سوم: دیدگاه *امام خمینی* علیه السلام؛ امام علیه السلام در این مسئله دیدگاه خاص و بازتر دارد و درباره فروختن و نفروختن سلاح به غیرمسلمانان و کافران، دولت اسلامی باید تصمیم بگیرد که آیا فروختن و یا نفروختن به صلاح امت اسلامی است، یا خیر؟ آیا زمینه‌ها و نیازهای روز جهان، چنین اجازه‌ای را می‌دهند، یا نه؟ وی

مصلحت دولت‌های اسلامی در ایجاد وحدت و هم‌گرایی سیاسی و امنیتی میان کشورهای اسلامی و استفاده از ظرفیت بزرگ جهان اسلام برای تأمین امنیت و توسعه همه‌جانبه و پایدار و در راستای تولید قدرت برای بازدارندگی و حفاظت از جهان اسلام در قبال طمع‌ورزی دشمنان است. از آنجا که از جمله ضوابط مصلحت، حفظ جان و مال و نسل مسلمانان است که در سایه قدرت نظامی و امنیتی، محقق می‌شود؛ بنابراین مصلحت سیاسی در این است که دول اسلامی از جنگ‌افزارها، تسلیحات و تجهیزات مدرن و پیشرفته برخوردار باشند، تا منافع آنان تأمین و مصالح‌شان حفظ و مقاصد شارع برآورده شود؛ چنان‌که این افزایش قدرت نظامی باعث می‌شود نوعی بازدارندگی در کشورهای اسلامی ایجاد شود و دشمنان جهان اسلام و قدرت‌های سلطه‌گر قصد حمله به سرزمین‌های اسلامی را از سر به در کنند.

منابع.....

- نهج البلاغه، ۱۳۸۰، ترجمه محمد دشتی، قم، مؤسسه تحقیقاتی امیرالمؤمنین (ع).
 ابن‌قدامة، احمد بن محمد، ۱۳۹۸ق، المعنی، ریاض، دار عالم الکتب.
 ابن‌منظور، محمد بن مکرم، ۱۴۱۴ق، لسان العرب، چ سوم، بیروت، دار صادر.
 ابن‌هشام، عبدالملک، ۱۹۸۵م، السیرة النبویة، تحقیق مصطفی السقا و دیگران، بیروت، دار احیاء التراث العربی.
 طوسی، محمد بن حسن، ۱۴۰۰ق، النهایة فی مجرد الفقه و الفتاوی، ط. الثانية، بیروت، دار الکتب العربی.
 ارجینی، حسین، ۱۳۸۷، صلح و منازعه در روابط خارجی دولت اسلامی، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ع).
 بحرانی، یوسف، ۱۴۰۵ق، الحدائق الناصره، بی‌جا، مؤسسه نشر اسلامی.
 عبدی، حسن و محمدجواد هاشمی، ۱۳۹۷، «بررسی تحلیلی مفهوم سلاح‌های کشتار جمعی و تطبیق آن بر دیدگاه اسلامی»، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، ش ۳.
 ابن‌ادریس حلی، محمد بن احمد، ۱۴۱۰ق، السرائر، چ دوم، قم، جامعه مدرسین.
 موسوی خمینی، سیدروح‌الله، ۱۳۶۸، المکاسب المحرمه، قم، اسماعیلیان.
 _____، ۱۳۷۷، تحریر الوسیله، ترجمه علی اسلامی، قم، جامعه مدرسین.
 _____، ۱۳۷۸، صحیفه نور، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ع).
 خوئی، سیدابوالقاسم، ۱۴۱۰ق، منهاج الصالحین، قم، مدینه‌العلم.
 دهخدا، علی‌اکبر، ۱۳۷۳، لغت‌نامه، تهران، امیرکبیر.
 دهقانی فیروزآبادی، جلال، ۱۳۹۲، سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، تهران، سمت.
 رجاء، علی‌اصغر، ۱۳۹۰، «تأثیر تجزیه جهان اسلام بر پایداری بحران‌ها»، رواق اندیشه، ش ۴۸.
 عاملی، زین‌الدین بن علی، ۱۴۱۲ق، الروضة البهیة فی شرح اللمعة الدمشقیة،

- نجف، مجمع الفکر الاسلامیه.
 سلیمانی‌خواه، نعمت‌الله، ۱۳۹۱، پیروزی در جنگ، آموزه‌های قرآن و سنت، تهران، مرکز اسناد و تحقیقات دفاع مقدس.
 مفید، محمد بن محمد بن نعمان، ۱۴۱۳ق، المقنعه، قم، کنگره هزاره شیخ مفید.
 صدر، سیدمحمدباقر، ۱۴۲۰ق، ماوراء الفقه، تحقیق و تصحیح جعفر هادی الدجیلی، بیروت، دارالاضواء.
 ضیایی بیگدلی، محمدرضا، ۱۴۰۱، حقوق جنگ، تهران، دانشگاه علامه طباطبائی.
 طباطبائی، سیدمحمدحسین، ۱۳۹۰، المیزان فی تفسیر القرآن، ترجمه سیدمحمدباقر موسوی همدانی، چ سی دوم، قم، اسلامی.
 طوسی، محمد بن حسن، ۱۳۸۷، المبسوط فی فقه الإمامیه، چ سوم، تهران، المكتبة المرتضویة لإحياء الآثار الجعفریة.
 حرعاملی، محمد بن حسن، ۱۴۱۴ق، وسائل الشیعه، قم، آل‌بیت.
 عاملی، محمد بن جمال‌الدین، ۱۴۱۱ق، اللمعة الدمشقیة، بیروت، دارالتراث.
 _____، ۱۴۱۲ق، الدروس الشرعیة، قم، جامعه مدرسین.
 عاملی، محمد بن مکی، بی‌تا، القوائد والقواعد، قم، مجمع الذخائر الاسلامیه.
 علیدوست، ابوالقاسم، ۱۳۹۰، فقه و مصلحت، تهران، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
 علیخانی، علی‌اکبر، ۱۳۷۸، سیاست نبوی، مبانی، اصول، راهبردها، تهران، پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی.
 کلینی، محمد بن یعقوب، ۱۴۰۷ق، الکافی، چ چهارم، تهران، دار الکتب الاسلامیه.
 کاظمی، سیدعلی‌اصغر، ۱۳۷۰، نظریه هم‌گرایی در روابط بین‌المللی تجربه جهان سوم، تهران، پیک.
 محقق حلی، جعفر بن حسن، ۱۴۰۳ق، معارج الاصول، قم، مؤسسه آل‌البیت (ع).
 مصباح یزدی، محمدتقی، ۱۳۷۵، «ولی فقیه در خارج از مرزها»، حکومت اسلامی، ش ۱، ص ۸۱-۸۶.
 مقدس اردبیلی، احمد بن محمد، ۱۳۷۹، مجمع الفائدة والبرهان فی شرح ارشاد الاذهان، قم، جامعه مدرسین.
 مکارم شیرازی، ناصر و دیگران، ۱۳۷۳، تفسیر نمونه، تهران، دار الکتب الاسلامیه.
 مکارم شیرازی، ناصر، ۱۳۸۶، برگزیده تفسیر نمونه، تهران، دارالکتب الاسلامیه.
 میرسلیم، سیدمصطفی، ۱۳۷۵، دانشنامه جهان اسلام، تهران، بنیاد دائرةالمعارف اسلامی
 نجفی، محمدحسن، ۱۴۰۴ق، جواهر الکلام فی شرح الشرایع الاسلام، چ هفتم، بیروت، دار الاحیاء تراث العربی.
 نژادی دامغانی، علیان، ۱۳۸۷، مجموعه سؤالات قرآنی از پیامبر اکرم (ص)، قم، امام‌علی بن ابیطالب (ع).
 نوری، حسین بن محمدتقی، ۱۴۰۸ق، مستدرک الوسائل، قم، آل‌البیت (ع).
 ویسی، هادی، ۱۴۰۲ق، «آینده‌پژوهی هم‌گرایی کشورهای اسلامی به روش سناریوپردازی»، پژوهش‌های جغرافیایی انسانی، ش ۱، ص ۱۸۳-۱۸۴.